

رابطه ابعاد دینداری و جهت گیری دینی با رضایت زناشویی

The Relation between the Dimensions of Religiosity and Religious Orientation with Marital Satisfaction

حسن یعقوبی سربالا / کارشناسی ارشد روان شناسی اسلامی مؤسسه آموزش عالی اخلاق و تربیت (نویسنده مسئول)
سیفاله فضل الهی / استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم
محمد رضا جهانگیرزاده قمی / استادیار گروه روان شناسی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام

Hassan Yaqubi Sarbala, an MA in Islamic psychology, the Academic Institute for Ethics and Education, Qom, Iran. Email: H.yaqubi1990@gmail.com – yaqubi.nobody@gmail.com

Seifollah Fazlollahi, an assistant professor in curriculum planning, Azad University, Qom Branch, Qom, Iran. Email: Fazlollahigh@yahoo.com

Mohammad Reza Jahangirzadeh Qomi, a lecturer (Ph.D.) in psychology, Imam Khomeini Education and Research Institute, Qom, Iran. Email: jahangirzademr@gmail.com

Abstract

This paper addresses the relation between dimensions of religiosity and religious orientation with marital satisfaction. The research method is practical in terms of objectives, and it is descriptive and correlational in terms of data collection method. The statistical population consisted of 6996 married teachers in Qom. The statistical sample included 377 teachers of the statistical population who were selected through stratified–relative random sampling method, they answered three standard questionnaires: Enrich marital satisfaction (1995), the Glock's and Stark's dimensions of religiosity (1995), and Allport's religious orientation (1997). Descriptive and inferential analysis of the data at the level of Pearson correlation test and simultaneous regression analysis through SPSS–V22 software showed that the dimensions of religiosity and

چکیده

هدف این پژوهش، بررسی رابطه ابعاد دینداری و جهت گیری دینی با رضایت زناشویی است. روش پژوهش از نظر اهداف، کاربردی و به لحاظ شیوه گردآوری اطلاعات، توصیفی و از نوع همبستگی است. جامعه آماری ۶۹۹۶ نفر از معلمان متأهل شهر قم بودند. نمونه آماری ۳۷۷ نفر از اعضای جامعه آماری بودند که به شیوه تصادفی طبقه ای - نسبی انتخاب و به پرسش نامه های استاندارد رضایت زناشویی انریچ، ابعاد دینداری گلاک و استارک و جهت گیری دینی آلپورت پاسخ دادند. تجزیه و تحلیل توصیفی و استنباطی داده ها در حد آزمون همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون هم زمان در قالب نرم افزار Spss-۷۲۲ نشان داد: ابعاد دینداری و جهت گیری دینی، می توانند رضایت زناشویی

religious orientation can predict marital satisfaction. There is a positive correlation between the total score of the dimensions of religiosity and emotional and ritual dimensions with marital satisfaction. In addition, there is a positive correlation between internal religious orientation and marital satisfaction. There is also a positive correlation between the total score of the dimensions of religiosity and all its dimensions with the internal religious orientation. According to these findings, there was no significant difference between men and women.

Keywords: marital satisfaction, dimensions of religiosity, religious orientation.

را پیش‌بینی کنند. بین نمره کل ابعاد دینداری، ابعاد عاطفی و مناسکی با رضایت زناشویی همبستگی مثبت وجود دارد. بین جهت‌گیری دینی درونی با رضایت زناشویی همبستگی مثبت وجود دارد. بین نمره کل ابعاد دینداری و تمام ابعاد آن با جهت‌گیری دینی درونی همبستگی مثبت وجود دارد. تفاوت معناداری بین گروه زنان و مردان یافت نشد.

کلیدواژه‌ها: رضایت زناشویی، ابعاد دینداری، جهت‌گیری دینی، رگرسیون چندگانه، همبستگی.

مقدمه

از جمله مظاهر زندگی اجتماعی انسان، وجود تعامل سالم و سازنده میان انسان‌ها و برقرار نمودن عشق به هم‌نوع و ابراز صمیمیت و همدلی به یکدیگر است. خانواده، محل ارضای نیازهای مختلف جسمانی و عقلانی عاطفی است و داشتن آگاهی از نیازهای زیستی و روانی و شناخت چگونگی ارضای آنها ضرورتی انکارناپذیر است. رضایت یک فرد از زندگی زناشویی به منزله رضایت از خانواده محسوب می‌شود و رضایت از خانواده به معنای رضایت از زندگی است. در نتیجه، موجب تسهیل در امر رشد و تعالی و مادی و معنوی جامعه خواهد شد (خدایاری و همکاران، ۱۳۷۸). مادتهیل^۱ و بنسوف^۲ (۲۰۰۸) معتقدند که رضایت زناشویی یکی از موضوعات مورد علاقه بسیاری از پژوهشگران در سراسر دنیا است. رضایت زناشویی به‌عنوان یک موقعیت روان‌شناختی، جنبه‌ای مهم و پیچیده از رابطه زناشویی است. تا امروز برای رضامندی زناشویی تعاریف گوناگونی ارائه شده است. برخی (ریناود،^۳ بایرز^۴

1. Madathil, J.

2. Benshoff, J.M.

3. Rinawd

4. Bayers

و پن، ۱۹۹۷^۱، به نقل از: پورغفاری و دیگران، ۱۳۸۹) خیلی ساده رضامندی زناشویی را به عنوان رابطه‌ای که صرفاً فاقد نارضامندی است، ارزیابی کرده‌اند، اما اکثر صاحب‌نظران تلاش کرده‌اند که تعریف کامل‌تری از این مفهوم ارائه دهند. عوامل بسیاری بر رضامندی زناشویی تأثیرگذار است که البته هر یک از این عوامل با توجه به شدت، ضعف و طول زمانی وجود آن عامل در زندگی فرد، تأثیر متفاوتی در زندگی و رضامندی زناشویی دارند. محققان تحقیقات نسبتاً زیادی را برای به دست آوردن عوامل تأثیرگذار بر رضایت زناشویی انجام داده‌اند. رضایت زناشویی را می‌توان نتیجه خرسندی کلی از زندگی مشترک، رضایت از روابط جنسی و رضایت عاطفی و هیجانی دانست. رضایت زناشویی زمانی وجود دارد که زوجین دارای رضامندی و سازگاری در حیطه‌های مختلف زندگی هستند و با همدیگر توافق دارند. زن و شوهرهایی که چنین باشند از نوع و سطح روابط کلامی و غیرکلامی‌شان راضی‌اند، روابط جنسی‌شان را لذت بخش و ارضاکنده می‌دانند، پایبندی‌های مذهبی مشترکی دارند و مسائل مالی خودشان را به خوبی برنامه‌ریزی و مدیریت می‌کنند، در مسائلی که اختلاف نظر دارند، مصلحت‌زدگی و خانواده را بر مصلحت خود ترجیح داده و از انعطاف‌پذیری بالایی برخوردارند، از نوع و کیفیت گذراندن اوقات فراغت و رفت‌وآمد با اقوام و دوستان رضایت دارند و نهایتاً در تعداد و نوع تربیت فرزندان با هم اشتراک نظر دارند (جدیری، ۱۳۸۷، ص ۱۲).

اولسون^۲ و همکاران (۱۳۹۱)، سه عامل ویژه را در رضایت زناشویی مؤثر دانستند که نخست عوامل بافتی (عوامل فرهنگی و اجتماعی)؛ دوم، خصائص و رفتارهای فردی زوجین و سوم، فرایندهای تعاملی زوجین می‌باشند. آنان به این نتیجه رسیدند که عوامل مرتبط با موارد یادشده، پیش‌بینی‌کننده مناسبی برای رضایت زناشویی محسوب می‌شوند. فنل^۳ (۱۹۹۳) با استفاده از روش دلفی به ده مؤلفه مهم که در رضایت مندی زناشویی زوج‌ها تأثیر بسزایی دارند، دست یافت. این ویژگی‌ها عبارت‌اند از: متعهد بودن به ازدواج، تعهد و وفاداری به همسر، ارزش‌های قوی اخلاقی، احترام گذاشتن به همسر، وفاداری جنسی به همسر، والدین خوب بودن، اعتقاد به خدا و باورهای مذهبی، حمایت از همسر، همراهی و مصاحبت با همسر و بخشیدن خطاهای همدیگر. از جمله متغیرهایی که قابلیت دارند تا نقش فعالی در

12. Pann

2. Olson

3. Fenell

تبیین روابط و رضامندی زناشویی ایفا کنند، دینداری می باشد.

البته شاید بتوان عوامل خطر ساز مؤثر بر رابطه را در یک تقسیم بندی به چهار دسته زیر تقسیم کرد: ۱. شرایط و سابقه زندگی زوجین؛ ۲. ویژگی های فردی همسر؛ ۳. رویدادهای زندگی که بر زوجین تأثیر گذارند؛ ۴. فرایندهای تعاملی زوجین با الگوهای ارتباطی (هالفورد^۱ و بودنمن، ۲۰۱۳). تحقیقات انجام شده در خصوص خانواده تا سال ۱۹۷۰ حول محور طلاق^۲ و اثرات روانی و اجتماعی آن بر روی اعضای خانواده بوده است و در این میان نقش دین، به عنوان یک عامل مهم قابل توجه است. بررسی های انجام شده نشان می دهند که انجام اعمال دینی (از جمله رفتن به کلیسا)، بیش از دیگر متغیرهای مورد بررسی، رضایت مندی از ازدواج را پیش بینی می کنند (غباری بناب، ۱۳۸۰).

ماهونی^۴ (۲۰۰۵) با تجزیه و تحلیل مشاهدات شان نشان دادند که جنبه های مختلف عملکرد زناشویی شامل: رضایت زناشویی و تعداد برخوردها و خشونت فیزیکی، با فعالیت ها و اعتقادات مذهبی در ارتباط هستند؛ به این صورت که زوج های دارای اعتقاد مذهبی بالاتر، رضایت زناشویی بیشتری داشته و برخوردها و خشونت های آنها نسبت به همدیگر کمتر است. به همین دلیل، درک ارزش های دینی درباره ازدواج، برای سلامت رابطه زوجین اهمیت زیادی دارد. همچنین آنها به این نتیجه رسیدند که دین موجب افزایش مشارکت کلامی، کاهش پر خاشگری کلامی و تعارض زناشویی شده و در نهایت، موجب افزایش رضایت مندی زناشویی می شود.

باتلر^۵ و واملر^۶ (۱۹۹۹) نشان دادند که عبادت و نیایش، موجب همدلی، درک، تعهد، انعطاف پذیری در روابط، احساس مسئولیت پذیری و استفاده از فن خودمداخله ای برای حل تعارض می شود. در پژوهشی که فیس و تامکو^۷ (۲۰۰۱) بر روی زوج هایی که به طور متوسط ۹ سال از ازدواج آنان می گذشت انجام دادند، ملاحظه شد، زوج هایی که مقید به مراسم مذهبی در روزهای تعطیل هستند، دارای رضایت زناشویی بیشتری می باشند.

1. Halford, w.K.

2. bodenman.g.

3. divorce

4. Mahoney, A.

5. Buttler, M.H.,

6. Wampler, K. S.

7. Tamcho

تحقیق مارش^۱ و دالاس^۲ (۲۰۰۱) نیز نشان داد که اعتقادات و باورهای مذهبی اثر بالقوه‌ای بر روی کنترل خشم در وقایع استرس‌زای زندگی و تعارضات و ناسازگاری‌های خانوادگی دارند، همچنین آنها اظهار کردند که ارتباط با خدا، فاصله‌ای که بین زوجین وجود دارد را پرمی‌کند. در نتیجه، ارتباطی بین روابط زناشویی و ارتباط با خدا وجود دارد. همچنین لیچر و کارمالت^۳ (۲۰۰۹)، به نقل از: صابی و همکاران، (۲۰۱۴) معتقدند که علاوه بر این زوجین ممکن است به صورت متفاوتی از باورهای مذهبی همسر خود بهره ببرند؛ دینداری شوهران، اثر بیشتری بر دیدگاه‌های همسرشان در مورد روابط زناشویی و تعاملات زناشویی‌شان دارد، نسبت به تأثیری که دینداری^۴ زنان بر شوهران دارد. تمرکز صرف بر پیوند بین باورهای خود فرد و مؤلفه‌های زناشویی، بدون در نظر گرفتن ارتباط باورهای طرف مقابل با این مؤلفه‌ها می‌تواند موجب ارزیابی کمتر در مورد اهمیت چنین باورهایی در کیفیت رابطه زناشویی بشود.

در ایران، دین^۵ به عنوان نهادی بانفوذ و مؤثر در عرصه زندگی اجتماعی همواره مطرح بوده است. دین می‌تواند به دلایل متعددی یکی از عناصری باشد که سازگاری زناشویی را تبیین می‌کند، از جمله:

۱. دین به عنوان یک نهاد اجتماعی نظم‌دهنده، احساس سازگاری زناشویی را تنظیم و در نتیجه، نظم ایجاد شده در روابط زوجین را ارائه می‌دهد.

۲. دین، باعث ایجاد همبستگی و انسجام بین اعضای خانواده شده و هسته جداافتادگی را در افراد تقلیل می‌دهد.

۳. فرد دیندار، خداوند را حامی و مراقب خود دانسته و احساس رهاشدگی و پوچی نمی‌کند. در نتیجه، در مقابل مشکلات زناشویی به خدا توکل کرده و همواره در صدد برقراری روابط زناشویی بهتر می‌باشد.

همچنین دین از عوامل مهم و تأثیرگذار در سلامت ذهن است، دین چهره جهان هستی را در نظر فرد دیندار تغییر می‌دهد. فرد دیندار خود را در حمایت همه جانبه خداوند می‌بیند و

1. Marsh, R.,

2. Dallos, R.

3. Karmalat

4. Religiosity

5. Religion

در مقابل ناملایمات زندگی دچار ناامیدی و اضطراب نمی شود (خوش فرو و دیگران، ۱۳۹۴). گلین^۱ (۱۹۸۸)، نشان داد کسانی که برای مدت طولانی با هم زندگی می کنند، دین را به عنوان مهم ترین عامل رضایتمندی در ازدواج تلقی می کنند. گراهام^۲ (۲۰۱۱)، در پژوهشی به این نتیجه رسید که مذهب و ازدواج به عنوان اشکالی از حمایت اجتماعی هستند که به صورت انفرادی بر سلامتی اثر می گذارند و مذهب می تواند باعث افزایش سازگاری زناشویی گردد. سیبولد^۳ و هیل^۴ (۲۰۰۱)، دریافتند که باورهای مذهبی، آیین ها و تعهدات، با نتایج مثبت مانند بهبود کیفیت زندگی بهتر، بهزیستی، سلامت جسمی و روانی، رضایت زناشویی و زندگی پایدار و عملکرد کارایی مثبت مرتبط هستند. شرکات^۵ (۲۰۰۴) نیز پس از بررسی به این نتیجه رسید که اختلافات دینی در خانواده ها موجب بروز مشکلات برای زوجین می شود که منجر به کاهش رضایت زناشویی و افزایش تعارضات زناشویی و طلاق می شود. در پژوهش های داخلی نیز حاتمی و همکاران (۱۳۸۸) پژوهشی با عنوان: «بررسی تأثیر میزان دینداری و رضایت از زندگی زناشویی» را با هدف سنجش میزان اثرات دینداری و رضایت از زندگی در میان گروهی از پاسداران متأهل انجام دادند. تعداد ۳۷۰ نفر به عنوان نمونه نهایی در نظر گرفته شدند و از شیوه طبقه ای متناسب استفاده شد. یافته ها نشان داد که هرچه بر میزان دینداری فرد افزوده شود، میزان رضایت از زندگی افزایش خواهد یافت. به عبارت دیگر، دینداری با رضایت زناشویی رابطه ای مثبت و مستقیم دارد. به نظر اولسون و همکاران (۲۰۰۱)، به نقل از: اسپیلکا^۶ و همکاران، (۱۳۹۰)، سازگاری باورهای زوجین، با قدرتمند بودن آنها در سایر زمینه های زندگی زناشویی ارتباط دارد. این زوج ها می توانند مذهب را با زندگی زناشویی خود ارتباط دهند و بر این باور هستند که ایمان آنها پایه ای برای عمق بخشیدن به پیوندشان فراهم می آورد و کمک می کند تا باهم به سوی رشد و تعالی گام بردارند. این زوج ها در حل و فصل اختلافات و مدیریت مسائل مالی موفق تر عمل می کنند و از رابطه جنسی بهتر، صمیمیت و انعطاف پذیری بیشتری بهره مند هستند. زوج هایی که ازدواج خود را پیمانی مقدس می شمارند، نسبت به کسانی که برای پیوند خود معنای مذهبی قائل نیستند، از

1. Glenn, N.D.

2. Graham, P. J.

3. Seybold, K. S.,

4. Hill, P. C.

5. Sherkat, D. E.

6. Spilka B.

ازدواج خود راضی‌تر و به یکدیگر وفادارتر هستند. ازدواج را امری آسمانی شمردن، نیرویی قوی در ایجاد خانواده سعادت‌مند است. پری^۱ (۲۰۰۶)، به نقل از: فینچام^۲، لامبرت^۳ و بیچ^۴ (۲۰۱۰) به بررسی زندگی خانوادگی، عملکرد دینی و مذهبی در آسیا پرداخت. نتایج پژوهش نشان داد که بین اعتقادات مذهبی و رضایت زناشویی و رضایت از زندگی خانوادگی رابطه وجود دارد. اکثر کسانی که از آموزش‌های مذهبی بهره‌مند بودند، در بخش مدیریت خانواده بالاترین نمره را گرفتند، همچنین باورهای مذهبی در تصمیم‌گیری اخلاقی والدین مؤثر بوده و در یک چشم‌انداز کلی تأثیر آن در همه جنبه‌های زندگی مؤثر است.

نحوه دینداری افراد عاملی مهم در روابط بین‌فردی و به خصوص روابط زناشویی به حساب می‌آید. دینداری قابلیت تبیین و پیش‌بینی رفتار را دارد. ابعاد دینداری^۵ شامل ابعاد اعتقادی،^۶ مناسکی،^۷ تجربی^۸ و پیامدی،^۹ غیر از تأثیر بر افکار و رفتار درون‌فردی، بر روابط میان‌فردی نیز تأثیر بالایی دارند. زوجین به دلیل تعامل بالا در طول زندگی، روابطشان بیشتر تحت تأثیر این ابعاد قرار می‌گیرد. در جامعه و فرهنگ اسلامی ایران که جامعه‌ای دیندار محسوب می‌شود، ابعاد دینداری و رضایت زناشویی از اهمیت بالاتری برخوردار می‌باشند. ابعاد دینداری در یک نظام چندبُعدی ارائه شده توسط گلاک^{۱۰}، شامل ابعاد ایدئولوژیک (باور و اعتقاد)، مناسکی (عمل)، عقلی (دانش)، تجربی (احساسات) و پیامدی (آثار) می‌باشند (آذربایجانی و موسوی اصل، ۱۳۸۵، ص ۹۸).

در پژوهشی والر^{۱۱}، الیسون^{۱۲} و پاورز^{۱۳} (۲۰۰۹)، به نقل از: صابی و همکاران، (۲۰۱۴) نتیجه گرفتند که زوجین ممکن است به صورت متفاوتی از باورهای مذهبی همسر خود بهره ببرند؛

1. Paity
2. Fincham, f.D.
3. lambert, n.M.
4. beach, s.R.H.
5. Dimensions of religiosity
6. Belief
7. Ritual
8. Experimental
9. Consequence
10. Glock
11. Waller
12. Ellison
13. Powers

دینداری شوهران، اثر بیشتری بر دیدگاه‌های همسرشان در مورد روابط زناشویی و تعاملات زناشویی‌شان دارد، نسبت به تأثیری که دینداری زنان بر شوهران دارد. متولیان، نوری و شروانی (۱۳۹۶)، بیان کردند که میزان دینداری در بین دختران بیشتر از پسران است. همچنین نتایج نشان می‌دهد که بین میزان دینداری با میزان رضایت از زندگی، رابطه معناداری وجود دارد و بین بُعد اعتقادی، مناسکی و بُعد تجربی با میزان رضایت از زندگی رابطه معناداری وجود دارد، اما بین بُعد پیامدی با میزان رضایت از زندگی رابطه معناداری وجود ندارد. دادلی^۱ و کاسینسکی^۲ (۱۹۹۰) بیان کرده‌اند که فعالیت‌های معنوی مثل دعا کردن، می‌تواند به زوج‌ها کمک کند تا به نیازهای دیگران بیشتر فکر کنند، با محبت‌تر و بخشاینده‌تر باشند، با احترام بیشتری با یکدیگر برخورد کنند و بیشتر به حل تعارض بپردازند. دعا، محاوره‌ای با خدا می‌باشد و این مزیت را دارد و چیزی را فراهم می‌آورد که می‌توان آن را حمایت اجتماعی به حساب آورد (بالاترین شکل حمایت اجتماعی). شواهد تجربی در تأیید این تحلیل که دعا می‌تواند هویت زوجینی را از نو مطرح و یا تقویت کند وجود دارند؛ چرا که این شواهد مستلزم این است که دعا احتمالاً اهداف زوجینی را تغییر می‌دهد و بدین وسیله پاسخ‌های غیرسازنده آنان به تعارض را اصلاح می‌کند، به خصوص زوج‌ها گزارش کرده‌اند که دعا کردن در زمان وقوع تعارض، از شدت یافتن منفی‌گرایی، اهانت و خصومت آنان جلوگیری می‌کند و جهت‌گیری به سمت رابطه و طرف مقابلش را افزایش می‌دهد و فرد را به احساس مسئولیت زوجینی برای مصالحه و حل مشکل ترغیب می‌کند.

در پژوهش‌های داخلی، خوش‌فرو و همکاران (۱۳۹۴) نتیجه گرفتند که رابطه معناداری بین بُعد اعتقادی و سازگاری زناشویی وجود دارد. این همبستگی مثبت بوده، در سطح ۰/۱۲ و با سطح اطمینان ۹۵٪ معنادار است. به این معنا که با افزایش جنبه‌های اعتقادی، سازگاری زناشویی افزوده می‌شود. باورهای مذهبی فرد معمولاً با باورهای مذهبی همسرش و نیز با میزان هم‌پوشی باورهای مذهبی، با باورهای همسرش پیوند دارد و با هم می‌توانند کیفیت زندگی زناشویی‌شان را پیش‌بینی کنند. همچنین بین بُعد مناسکی دینداری و سازگاری زناشویی رابطه معناداری وجود دارد. این همبستگی مثبت و در سطح ۰/۱۳ و با سطح اطمینان ۹۵٪ معنادار است. به این معنا که با افزایش جنبه‌های مناسکی دینداری

1. Dadley, M.

2. Kosinski, F.

و انجام واجبات و پرهیز از محرمات، بر سازگاری زناشویی افزوده می‌شود. بین بُعد عاطفی دینداری و سازگاری زناشویی رابطه معناداری وجود ندارد. بدین معنا که با افزایش جنبه‌های تجربی بر سازگاری زناشویی افزوده نمی‌شود. بین بُعد پیامدی دینداری و سازگاری زناشویی رابطه معناداری وجود دارد و همبستگی بین آنها در سطح ۰/۱۷ و با سطح اطمینان ۹۹٪ مثبت بود. این بُعد، بالاترین شدت رابطه را با سازگاری زناشویی دارد.

در تقسیم‌بندی دیگر، چگونگی و جهت‌گیری دینی انسان‌ها به دو دسته جهت‌گیری دینی درونی و بیرونی تقسیم می‌شود. جهت‌گیری دینی درونی، یک دینداری فراگیر و دارای اصول سازمان یافته و درونی شده است، درحالی‌که جهت‌گیری دینی بیرونی، امری خارجی و ابزاری است که برای ارضای نیازهای فردی از قبیل مقام و امنیت مورد استفاده قرار می‌گیرد. منظور آلپورت از جهت‌گیری درونی عبارت است از: یک تعهد انگیزشی فراگیر که غایت و هدف است، نه وسیله‌ای برای دستیابی به اهداف فردی. به عبارت دیگر، جهت‌گیری دینی را می‌توان معادل دین‌ورزی یا دینداری گرفت (آذربایجانی، ۱۳۸۲). درونی یا بیرونی بودن جهت‌گیری دینی^۱ (جهت‌گیری مذهبی) افراد از موارد قابل بحث در میان زوجین می‌باشد. جهت‌گیری دینی درونی^۲، دینداری فراگیر، دارای اصول سازمان یافته و درونی شده است، درحالی‌که جهت‌گیری دینی بیرونی^۳، امری خارجی و ابزاری است که برای ارضای نیازهای فردی از قبیل مقام و امنیت مورد استفاده قرار می‌گیرد. منظور آلپورت^۴ از جهت‌گیری درونی عبارت است از: یک تعهد انگیزشی فراگیر که غایت و هدف است و نه وسیله‌ای برای دستیابی به اهداف فردی. به عبارت دیگر، جهت‌گیری دینی را می‌توان معادل دین‌ورزی یا دینداری گرفت (آذربایجانی، ۱۳۸۲). تحقیقات (کرنباخ، شیفیلد، کویینک، کوال، ماتون، مالر، پدلتون و هانس برگر، به نقل از: جمالی، ۱۳۸۱) نشان داده است که مذهب دارای یک ارتباط مثبت با احساس سازگاری و رضایت زناشویی است و افراد با جهت‌گیری دینی درونی، به دین و دینداری به عنوان یک عامل اصلی برای احساس معنا در زندگی رسیده‌اند. در جامعه ایران به علت غلبه مذهب و دیندار بودن افراد، درونی و بیرونی بودن دینداری بیشتر قابل مشاهده و بررسی است. از این رو، تأثیر بیشتری نیز در نحوه تعاملات افراد دارد.

1. Religious Orientation

2. Internal religious orientation

3. Interpersonal religious orientation

4. Allport

تحقیقات دادلی و کاسینسکی (۱۹۹۰)، یکی دیگر از ابعاد رابطه مذهبی و رضامندی را روشن ساخت. ایشان مبنای نظری تحقیق خود را این فرض قرار داده بودند که دینداری به سبک درونی، پایه‌ای است که بر آن روابط زناشویی خوب بنا می‌شود و نتیجه‌ای که گرفتند، این فرض را مورد تأیید قرار داد. از میان ۱۸۹ نفری که سؤالات بازپاسخ این دو محقق را جواب دادند، ۸۶٪ بیان کردند که دین، اثر مثبتی بر زندگی زناشویی آنان داشته است. ۹٪ دین را باعث اختلاف زناشویی و ۳٪ آن را بی‌اثر دانستند. موضوعات عمده‌ای که در این پاسخ‌ها بیان شده بود، این بود که دین آنها باعث شده بود که تسامح (تحمل) بیشتری داشته باشند و زندگی زناشویی آنان را تقویت کرده و به آنها کمک کرده بود تا در مورد نیازهای دیگران فکر کنند، دیگران را بیشتر دوست داشته باشند، بخشاینده‌تر باشند، با یکدیگر با احترام رفتار کنند و تعارضات را حل کنند. دادلی و کاسینسکی معتقدند: این پاسخ‌ها مبنای نظری تحقیق آنها را (دینداری درونی) تقویت می‌کند؛ چون اینها همان ویژگی‌هایی هستند که افراد دارای جهت‌گیری دینی درونی دارا هستند. پس جهت‌گیری دینی درونی نقش مهمی در رضامندی زناشویی ایفا می‌کند. مک‌فارلن^۱ (۱۹۸۷)، به نقل از: دادلی و کاسینسکی، (۱۹۹۰) در تبیین این مسئله مطرح می‌کند، شخصی که دین او درونی‌تر و ریش یافته‌تر است، می‌تواند فراتر از نیازهای خودش را ببیند و از نیازهای شریک زندگی‌اش نیز آگاه شود. رابطه زناشویی، یک شراکت در تجارب زندگی است. نتایج مطالعات دادلی و کاسینسکی (۱۹۹۰) درباره مذهب و رضایت زناشویی نشان داد که همبستگی قوی بین رضایت زناشویی و اعمال مخصوص مذهبی، انگیزه درونی مذهبی و تجربه مذهبی (احساس نزدیکی به خدا) وجود دارد.

خداپناهی و خاکسار بلداجی (۱۳۸۴)، در پژوهشی تحت عنوان «رابطه جهت‌گیری مذهبی و سازگاری روان‌شناختی در دانشجویان»، نتیجه گرفتند که افراد با جهت‌گیری مذهبی درونی، از نظر سازگاری کلی، اجتماعی، هیجانی و تندرستی، در مقایسه با افراد دارای جهت‌گیری مذهبی بیرونی، وضعیت مناسب‌تری دارند. آنچه علاوه بر پابندی به دین مهم است، همسازی باورهای مذهبی زوجین با یکدیگر است، به نظر اولسون و همکاران (۲۰۰۱)، به نقل از: اسپیلکا و همکاران، (۱۳۹۰)، سازگاری باورهای زوجین، با قدرتمند بودن آنها در سایر زمینه‌های زندگی زناشویی ارتباط دارد. این زوج‌ها می‌توانند مذهب را با زندگی زناشویی خود ارتباط دهند و بر این باور هستند که ایمان آنها پایه‌ای برای عمق بخشیدن به پیوندشان فراهم می‌آورد و کمک

می‌کند تا با هم به سوی رشد و تعالی گام بردارند. این زوجها در حل و فصل اختلافات و مدیریت مسائل مالی موفق‌تر عمل می‌کنند و از رابطه جنسی بهتر، صمیمیت و انعطاف‌پذیری بیشتری بهره‌مند هستند. زوج‌هایی که ازدواج خود را پیمانی مقدس می‌شمارند، نسبت به کسانی که برای پیوند خود معنای مذهبی قائل نیستند، از ازدواج خود راضی‌تر و به یکدیگر وفادارتر هستند. ازدواج را امری آسمانی شمردن، نیرویی قوی در ایجاد خانواده سعادتمند است.

پژوهش دانش (۱۳۸۳)، نشان داد که جهت‌گیری مذهبی با سازگاری زناشویی رابطه مثبت دارد و در این رابطه، جهت‌گیری مذهبی درونی بیشتر از جهت‌گیری مذهبی بیرونی با سازگاری زناشویی رابطه دارد. اغلب پژوهشگران بر این باورند که وجود عقاید مذهبی، تأثیر بسزایی در استحکام خانواده دارند. ایمان به خدا موجب می‌شود که نگرش فرد به کل جهان هستی هدف‌دار باشد. عدم ایمان به خدا موجب می‌شود که فرد انسجام و آرامش نداشته باشد و همین امر موجب ضعف و منشأ اختلاف‌های بسیاری در زندگی خانوادگی می‌شود. پژوهش‌های انجام شده در این زمینه نشان داده‌اند که پایبندی به مذهب، عامل مهمی در پایداری ازدواج و رضایت زناشویی است (منجزی، شفیع‌آبادی و سودانی، ۱۳۹۱). نتیجه تحقیق جان بزرگی (۱۳۸۶) در بین دانشجویان تمامی دانشگاه‌های دولتی شهر تهران نشان داد که هرچه جهت‌گیری دینی بیرونی‌تر شود، احساس خستگی، نشانه‌های بیماری در بدن و میزان بی‌خوابی فرد بیشتر می‌شود. شواهدی نیز وجود دارد مبنی بر اینکه اشتغال به فعالیت‌های معنوی می‌تواند آثار مثبتی بر برخی مؤلفه‌های سلامتی و رابطه داشته باشد. مثلاً مطالعات کلینیکی فینچام، لامبرت و بیچ (۲۰۱۰) مربوط به اثر معنویت و فعالیت‌های مذهبی بر سلامتی در غرب انجام گرفت و به این نتیجه رسیدند که فعالیت‌های مذهبی برای فشارخون کارکرده ایمنی افسردگی و کاهش مرگ‌ومیر تأثیر سودمندی دارند.

حاتمی و همکاران (۱۳۸۸)، نتیجه گرفتند هرچه بر میزان دینداری فرد افزوده شود، میزان رضایت از زندگی افزایش خواهد یافت. به عبارت دیگر، دینداری با رضایت زناشویی رابطه‌ای مثبت و مستقیم دارد. نظری (۱۳۸۸) نیز اذعان کرد، پایبند نبودن به مسائل مذهبی و عدم دینداری ممکن است در رفتار همسران، بی‌تعهدی ایجاد کند و این‌گونه، باعث کاهش رضایت زناشویی شود. احمدی (۱۳۸۴)، در پژوهشی به این نتیجه رسید که همبستگی مثبت و معناداری بین تقیدات مذهبی و سازگاری زناشویی همسران وجود دارد؛ به این معنا که با افزایش تقیدات دینی در بین آنان، میزان سازگاری زناشویی نیز افزایش می‌یابد.

نتایج حاصل از پژوهش صدیقی، محبی و شاه‌سیاه (۱۳۹۳) نشان داد که همبستگی مثبتی بین جهت‌گیری مذهبی و سازگاری و رضایت زناشویی « $p < 0/01$ » و « $r = 0/45$ » وجود دارد؛ بدین معنا که جهت‌گیری مذهبی می‌تواند سازگاری زناشویی را بیش‌بینی کند و یافته‌ها با سطح معناداری « $p = 0/05$ » تأیید گردیدند. همچنین جهت‌گیری دینی با ابعاد رضایت زناشویی « $p < 0/01$ » و « $r = 0/45$ »، همبستگی دو نفری « $p < 0/01$ » و « $r = 0/41$ »، توافق دو نفری « $p < 0/01$ » و « $r = 0/49$ » و ابراز محبت « $p < 0/01$ » و « $r = 0/317$ » رابطه مستقیم و معنادار داشته است.

هالفورد^۱ (۱۳۸۴) بیان کرده است که تقریباً همه زوج‌ها رابطه زناشویی خود را با میزان بالایی رضایت و تعهد در رابطه شروع می‌کنند. اما با این وجود، فقط تعدادی از این زوج‌ها برای مدت زمان طولانی رضایت در رابطه زناشویی را نگه می‌دارند. نارضایتی زوج‌ها از زندگی مشترک منجر به آشفتگی در خانواده می‌شود و تأثیرات سوء آن بر افراد، خانواده و جامعه قابل انکار نیست. تحقیقات نشان داده‌اند که افراد متأهل شادتر از افراد مجرد هستند، این موضوع می‌تواند درست باشد تا زمانی که ازدواج سالم باشد. بودن در یک ازدواج رضایت‌بخش، همواره با سلامت جسمی بهتر و رضایت کلی از زندگی در ارتباط بوده است.

به دلیل اهمیت رضایت از زندگی مشترک و نقش خطیر آن در بهزیستی عمومی و رضایت از زندگی و تأثیر آن در سلامت فردی و اجتماعی، لازم است که عوامل و همبسته‌های رضامندی زناشویی برای یک زندگی سالم‌تر، شادتر و پربارتر، هرچه بیشتر و دقیق‌تر مورد پژوهش قرار گیرند. هرچند که رابطه ابعاد دینداری و جهت‌گیری دینی با رضایت زناشویی بارها به صورت جداگانه مورد سنجش قرار گرفته است (صدیقی، محبی و شاه‌سیاه، ۱۳۹۳؛ دادلی و کاسینسکی، ۱۹۹۰؛ خوش‌فر و دیگران، ۱۳۹۴ و...)، اما تاکنون به صورت تعاملی با یکدیگر مورد پژوهش قرار نگرفته‌اند.

محقق به دنبال کشف این مسئله بوده است که کدام بُعد دینداری و کدام جهت‌گیری دینی برای افزایش رضامندی زناشویی به صورت کلی، خصوصاً به تفکیک جنسیت و در مورد مردان و زنان باید تقویت شوند؟ به دلیل تأثیرگذار بودن جامعه فرهنگیان در رشد و تعلیم آینده‌سازان کشور و زوجین آتی جامعه، نمونه این تحقیق از جامعه معلمان انتخاب شده است. با توجه به مطالبی که گفته شد هدف این پژوهش، آزمون فرضیه‌های ذیل می‌باشد: ۱. بین ابعاد دینداری و جهت‌گیری دینی با رضایت زناشویی رابطه وجود دارد و ابعاد

دینداری و جهت‌گیری دینی می‌توانند رضایت زناشویی را پیش‌بینی کنند؛ ۲. همبستگی بین ابعاد دینداری و جهت‌گیری دینی با رضایت زناشویی در مردان و زنان متفاوت است؛ ۳. فقط میان ابعاد دینداری با جهت‌گیری دینی درونی رابطه وجود دارد.

روش پژوهش

این پژوهش از نظر هدف کاربردی^۱، به لحاظ شیوه گردآوری داده‌ها توصیفی^۲ و از نوع همبستگی است. جامعه آماری متشکل از کلیه معلمان (دوره ابتدایی) و دبیران (دوره متوسطه اول و دوم) متأهل شهر قم بود که در سال ۱۳۹۷ مشغول به فعالیت بودند. آموزش و پرورش شهر قم، دارای چهار ناحیه است که تعداد معلمان متأهل آنها ۶۹۹۶ (۳۰۱۱ مرد و ۳۹۸۵ زن) نفر می‌باشند. روش نمونه‌گیری طبقه‌ای - نسبی^۳ است. آموزش و پرورش شهر قم دارای چهار ناحیه می‌باشد، اما مسئول پژوهش ناحیه چهار، حاضر به همکاری نشد. بنابراین، برای هر یک از سه ناحیه، یک طبقه قرار داده شد که میزان نمونه هر طبقه نسبت به میزان حضور آن طبقه در جامعه متناسب است، همچنین در هر طبقه نسبت بین مرد و زن نیز سنجیده شد تا نمونه بیشتر معرف جامعه باشد. فراوانی جامعه پژوهش ۵۴۸۶ نفر می‌باشد که براساس جدول کوهن^۴ برای ۶۰۰۰ نفر، حجم نمونه پژوهش ۳۶۱ نمونه برآورد شده است که با احتساب نمونه‌گیری بیشتر، ۳۷۷ نمونه انتخاب شدند.

ابزار پژوهش

الف. پرسش‌نامه ابعاد دینداری گلاک و استارک: این پرسش‌نامه توسط گلاک و استارک برای سنجیدن نگرش‌ها و باورهای دینی و دینداری ساخته شده است. این پرسش‌نامه در کشورهای مختلف اروپا، آمریکا، آفریقا و آسیا استاندارد شده و بر روی پیروان ادیان مسیحیت، یهودیت و اسلام اجرا گردیده و با دین اسلام هم انطباق یافته است (سراجزاده، ۱۳۷۴). این پرسش‌نامه دارای ۲۶ گویه می‌باشد که در چهار بُعد، اعتقادی با هفت گویه، عاطفی با شش گویه، پیامدی با شش گویه و مناسکی با شش گویه جهت سنجش میزان دینداری به‌کار می‌رود. مقیاس اندازه‌گیری مورد استفاده در این سنجش، لیکرت^۵ است که هر گویه پنج درجه

1. Practical
2. Descriptive
3. Cohen J.
4. Class-relative
5. Likert

ارزشی «کاملاً موافق، موافق، بینابین، مخالف و کاملاً مخالف» را در بر می گیرد. در آخرین اجرای این آزمون بر روی دانشجویان، آلفای کلی پرسش نامه ۰/۸۳ بوده است. این آزمون همچنین به دلیل استاندارد بودن، دارای پایایی بالایی است. مقدار آلفا برای متغیرهای بُعد اعتقادی ۰/۸۱، بُعد عاطفی ۰/۷۵، بُعد پیامدی ۰/۷۲ و بُعد مناسکی ۰/۸۳ می باشد (سراجزاده، ۱۳۷۴).

ب. پرسش نامه جهت گیری دینی آلپورت: این پرسش نامه شامل ۲۱ گویه است و سؤالات آزمون بر اساس یک مقیاس چهار درجه ای لیکرت از ۱ تا ۴ نمره گذاری می شوند (۱=کاملاً مخالفم، ۲=تقریباً مخالفم، ۳=تقریباً موافقم، ۴=کاملاً موافقم). این آزمون در سال ۱۳۷۷ در ایران ترجمه و هنجاریابی شده که اعتبار و پایایی آن توسط جان بزرگی (۱۳۷۸) به دست آمده است. همسانی درونی آن با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۷۱ و پایایی بازآزمایی آن ۰/۷۴ می باشد.

ج. فرم کوتاه پرسش نامه رضایت زناشویی انریچ: فرم ۴۷ سؤالی آن توسط اولسون (۱۹۹۸) تهیه شد و دارای ۱۲ مقیاس است که عبارت اند از: پاسخ قراردادی، رضایت زناشویی، مسائل شخصیتی، ارتباط زناشویی، حل تعارض، نظارت مالی، فعالیت های مربوط به اوقات فراغت، روابط جنسی، ازدواج و فرزندان، بستگان و دوستان، نقش های مساوات طلبی و جهت گیری عقیدتی. نمره رضایت کلی از روابط زناشویی این پرسش نامه دارای لیکرت پنج درجه ای است (کاملاً موافقم نمره ۵ و کاملاً مخالفم نمره ۱). میرخشتی (۱۳۷۵)، در پژوهشی با عنوان «بررسی میان رضایت از زندگی زناشویی و سلامت روان» ضریب آلفای کرونباخ که نشان دهنده اعتبار و ثبات و همسانی درونی آزمون است را بر روی ۶۰ نفر از افراد نمونه انجام داده است که ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۲ به دست آمده است.

یافته های پژوهش

تجزیه و تحلیل های این پژوهش در دو سطح توصیفی و استنباطی صورت گرفته است. در سطح توصیفی در جدول ۱ از شاخص های گرایش مرکزی و پراکندگی مانند فراوانی، میانگین، تحلیل واریانس و انحراف معیار استفاده شده است و در سطح استنباطی با توجه به اینکه هدف اصلی تحقیق، بررسی رابطه بین متغیرها می باشد، از آزمون همبستگی پیرسون^۱، رگرسیون چندگانه همزمان^۲ و آزمون Z فیشر^۳ برای تصمیم گیری در مورد رد یا تأیید فرضیه ها استفاده شده است.

1. Pearson

255. Multiple simultaneous regressions

356. Fisher's Z test

جدول ۱. داده‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	فراوانی	حداقل	حداکثر	میانگین		انحراف استاندارد	واریانس
				شاخص آماری	خطای استاندارد		
رضایت زناشویی	۳۷۷	۷۰	۲۳۳	۱۷۳/۴۹	۱/۴۸۹	۲۸/۹۰۶	۸۳۵/۵۳۸
ابعاد دینداری	۳۷۷	۲۰	۱۰۴	۸۱/۹۰	۰/۵۳۳	۱۰/۳۴۴	۱۰۶/۹۹۰
جهت‌گیری دینی بیرونی	۳۷۷	۱۶	۳۹	۲۷/۱۲	۰/۲۴۳	۴/۷۱۰	۲۲/۱۸۲
جهت‌گیری دینی درونی	۳۷۷	۴	۲۸	۲۱/۴۱	۰/۱۷۶	۳/۴۱۷	۱۱/۶۷۴

در جدول ۲، ماتریس همبستگی میان نمره کل رضایت زناشویی، جهت‌گیری دینی بیرونی، جهت‌گیری دینی درونی، نمره کل ابعاد دینداری، بُعد اعتقادی، بُعد عاطفی، بُعد پیامدی و بُعد مناسکی ارائه شده است.

جدول ۲. ماتریس همبستگی بین تمامی متغیرها

متغیر	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
۱. رضایت زناشویی	۱							
۲. جهت‌گیری دینی بیرونی	-۰/۰۷۸	۱						
۳. جهت‌گیری دینی درونی	۰/۱۶۰**	-۰/۰۹۵	۱					
۴. بُعد اعتقادی	۰/۰۸۷	-۰/۰۲۱	۰/۳۵۵**	۱				
۵. بُعد عاطفی	۰/۱۰۳*	۰/۰۷۵	۰/۳۶۳**	۰/۴۴۰**	۱			
۶. بُعد پیامدی	۰/۰۱۶	-۰/۲۵۸**	۰/۳۵۴**	۰/۴۵۷**	۰/۲۳۷**	۱		
۷. بُعد مناسکی	۰/۱۶۲**	۰/۰۲۴	۰/۳۶۱**	۰/۳۴۲**	۰/۲۱۵**	۰/۳۲۴**	۱	
۸. ابعاد دینداری	۰/۱۲۱*	-۰/۰۹۲	۰/۵۰۳**	۰/۷۶۴**	۰/۶۲۲**	۰/۷۷۵**	۰/۶۵۹**	۱

$P < ۰/۰۱^*$, $P < ۰/۰۵^*$

همان گونه که در جدول ۲ مشاهده می شود، رابطه میان جهت گیری دینی بیرونی و رضایت زناشویی ($r = -0/087$ و $p < 0/091$) معنادار نیست، اما میان جهت گیری دینی درونی و رضایت زناشویی ($r = 0/160$ و $p < 0/01$) رابطه مثبت و معناداری برقرار است. همبستگی مثبت معناداری میان نمره کل ابعاد دینداری و رضایت زناشویی ($r = 0/121$ و $p < 0/05$) برقرار است. میان بُعد اعتقادی دینداری و رضایت زناشویی ($r = 0/087$ و $p < 0/091$) رابطه معناداری وجود ندارد. میان بُعد عاطفی دینداری و رضایت زناشویی ($r = 0/103$ و $p < 0/05$) رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. میان بُعد پیامدی دینداری و رضایت زناشویی ($r = 0/016$ و $p < 0/0762$) رابطه معناداری وجود ندارد. میان بُعد مناسکی دینداری و رضایت زناشویی ($r = 0/162$ و $p < 0/01$) رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. همبستگی میان ابعاد دینداری و جهت گیری دینی بیرونی ($r = -0/092$ و $p < 0/075$) معنادار نیست، اما همبستگی میان ابعاد دینداری و جهت گیری دینی درونی ($r = 0/503$ و $p < 0/01$) مثبت و معنادار می باشد.

همبستگی میان ابعاد دینداری و جهت گیری دینی بیرونی ($r = -0/092$ و $p < 0/075$) معنادار نیست، اما همبستگی میان ابعاد دینداری و جهت گیری دینی درونی ($r = 0/503$ و $p < 0/01$) مثبت و معنادار می باشد.

جدول ۳. همبستگی بین ابعاد دینداری و رضایت زناشویی در زنان و مردان

جنسیت	متغیر	ابعاد دینداری
مرد	رضایت زناشویی	ضریب همبستگی $0/236^{**}$
		معناداری $0/02$
زن	رضایت زناشویی	ضریب همبستگی $0/041$
		معناداری $0/556$

$$P < 0/01^{**}, P < 0/05^*$$

بر اساس نتایج جدول ۳، همبستگی بین ابعاد دینداری و رضایت زناشویی در مردان ($r = 0/236$ و $p < 0/01$) مثبت و معنادار، اما در زنان ($r = 0/041$ و $p < 0/556$) معنادار نمی باشد.

بر اساس آزمون Z فیشر برای مقایسه دو گروه مستقل، نمره Z برابر با ۱/۹۱ می‌باشد و چون Z به دست آمده از Z آلفا دوم در سطح خطای ۰/۰۵ که برابر با ۱/۹۶ است، کوچک‌تر می‌باشد، پس تفاوت معناداری بین گروه زنان و مردان نیست.

جدول ۴. همبستگی بین جهت‌گیری دینی و رضایت زناشویی در زنان و مردان

جنسیت	متغیر	جهت‌گیری دینی بیرونی	جهت‌گیری دینی درونی
مرد	رضایت زناشویی	-۰/۰۶۰	۰/۲۵۹**
	معناداری	۰/۴۳۹	۰/۰۰۱
زن	رضایت زناشویی	-۰/۱۵۱*	۰/۱۰۷
	معناداری	۰/۰۲۹	۰/۱۲۱

$$P < 0/01^{**}, P < 0/05^{*}$$

بر اساس نتایج جدول ۴، همبستگی بین جهت‌گیری دینی بیرونی و رضایت زناشویی در مردان ($r = -0/060$ و $p < 0/439$) معنادار نیست، اما در زنان نیز ($r = -0/151$ و $p < 0/05$) منفی و معنادار می‌باشد. همبستگی بین جهت‌گیری دینی درونی و رضایت زناشویی در مردان ($r = 0/259$ و $p < 0/01$) مثبت و معنادار اما در زنان ($r = 0/107$ و $p < 0/121$) معنادار نمی‌باشد.

بر اساس آزمون Z فیشر برای مقایسه دو گروه مستقل، نمره Z جهت‌گیری دینی بیرونی برابر با ۰/۸۸ می‌باشد و چون Z به دست آمده از Z آلفا دوم در سطح خطای ۰/۰۵ که برابر با ۱/۹۶ است، کوچک‌تر می‌باشد، پس تفاوت معنادار نیست، لذا تفاوتی بین ضریب همبستگی جهت‌گیری دینی بیرونی و رضایت زناشویی بین گروه مردان و زنان نیست.

بر اساس آزمون Z فیشر برای مقایسه دو گروه مستقل، نمره Z جهت‌گیری دینی درونی برابر با ۱/۵۱ می‌باشد و چون Z به دست آمده از Z آلفا دوم در سطح خطای ۰/۰۵ که برابر با ۱/۹۶ است، کوچک‌تر می‌باشد، پس تفاوت معنادار نیست، لذا تفاوتی بین ضریب همبستگی جهت‌گیری دینی درونی و رضایت زناشویی بین گروه مردان و زنان نیست.

جدول ۵. رگرسیون چندگانه هم زمان

مدل	R	R جذر	تعدیل شده R جذر	خطای استاندارد ارزیابی
۱	۰/۱۸۱	۰/۰۳۳	۰/۰۲۵	۲۸/۵۴۳

متغیرهای پیش بین: ابعاد دینداری، جهت گیری درونی، جهت گیری بیرونی

مدل	ضریب های غیر استاندارد		ضریب های استاندارد		معناداری
	B	خطای استاندارد	بتا	t	
ثابت	۱۵۰/۶۱۹	۱۵/۷۹۹		۹/۵۳۴	۰/۰۰۰
جهت گیری دینی بیرونی	-۰/۴۳۳	۰/۳۱۴	-۰/۰۷۱	-۱/۳۷۷	۰/۱۶۹
جهت گیری دینی درونی	۱/۰۸۶	۰/۴۹۹	۰/۱۲۸	۲/۱۷۴	۰/۰۳۰
ابعاد دینداری	۰/۱۳۹	۰/۱۶۵	۰/۰۵۰	۰/۸۴۲	۰/۴۰۰

در جدول ۵ نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه هم زمان، متغیرهای پیش بین که عبارت اند از: ابعاد دینداری و جهت گیری دینی، روی هم رفته می توانند ۰/۰۲۵٪ متغیر ملاک را که عبارت است از: رضایت زناشویی، به صورت ضعیفی پیش بینی کنند، داده ها بیانگر این است که جهت گیری دینی با بتای ۰/۱۲۸، نسبت به ابعاد دینداری و جهت گیری دینی بیرونی قدرت بیشتری برای پیش بینی رضایت زناشویی دارد.

بحث و نتیجه گیری

هدف این پژوهش، بررسی ارتباط و قدرت پیش بینی ابعاد دینداری و جهت گیری دینی برای رضایت زناشویی بود. بر اساس یافته های جدول ۲ و ۵ فرضیه اول پژوهش مبنی بر رابطه ابعاد دینداری و جهت گیری دینی با رضایت زناشویی تأیید می گردد. همچنین، توان پیش بینی رضایت زناشویی از راه ابعاد دینداری و جهت گیری دینی نیز مورد تأیید قرار گرفت. این پژوهش نشان داد که میان بُعد عاطفی و مناسکی دینداری با رضایت زناشویی ارتباط معناداری وجود دارد، اما ارتباط معناداری میان بُعد اعتقادی و پیامدی دینداری با رضایت زناشویی یافت نشد. همچنین، این پژوهش نشان داد که رابطه میان جهت گیری دینی

بیرونی و رضایت زناشویی معنادار نیست، برخلاف جهت‌گیری دینی درونی که با رضایت زناشویی رابطه مثبت و معناداری دارد.

در این پژوهش میان بُعد اعتقادی با رضایت زناشویی رابطه معناداری به دست نیامد، برخلاف تحقیق لیچرو کارمالت (۲۰۰۹)، به نقل از: صابی و همکاران، (۲۰۱۴) که در زمینه رابطه بُعد اعتقادی با زندگی زناشویی نشان دادند باورهای مذهبی فرد معمولاً با باورهای مذهبی همسرش و نیز با میزان هم‌پوشی باورهای مذهبی، با باورهای همسرش پیوند دارند و با هم می‌توانند کیفیت زندگی زناشویی‌شان را پیش‌بینی کنند و برخی تحقیقات داخلی مانند خوش‌فر و همکاران (۱۳۹۴) که اشاره کردند، رابطه معناداری بین بُعد اعتقادی و سازگاری زناشویی وجود دارد. اما برخلاف تحقیق خوش‌فر و همکاران (۱۳۹۴) که نشان دادند بین بُعد عاطفی دینداری و سازگاری زناشویی رابطه معناداری وجود ندارد؛ بدین معنا که با افزایش جنبه‌های تجربی دینداری بر سازگاری زناشویی افزوده نمی‌شود. در این پژوهش، میان بُعد عاطفی با رضایت زناشویی رابطه مثبت و معنادار به دست آمد. در این پژوهش، میان بُعد پیامدی با رضایت زناشویی، رابطه معناداری به دست نیامد، برخلاف برخی تحقیقات دیگر که ارتباط معناداری را گزارش کرده‌اند، مانند تحقیق خوش‌فر و همکاران (۱۳۹۴) که گزارش کردند، بین بُعد پیامدی دینداری و سازگاری زناشویی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد و نتیجه گرفتند که این بُعد، بالاترین شدت رابطه را با سازگاری زناشویی دارد. میان بُعد مناسکی دینداری با رضایت زناشویی رابطه مثبت و معنادار به دست آمد که با تحقیقات دیگر نیز همسو می‌باشد. پژوهش خوش‌فر و همکاران (۱۳۹۴) نشان داد که با افزایش جنبه‌های مناسکی دینداری و انجام واجبات و پرهیز از محرمات، بر سازگاری زناشویی افزوده می‌شود. همچنین، باتلرو همکاران (۲۰۰۲) نشان دادند که عبادت و نیایش، موجب همدلی، درک، تعهد، انعطاف‌پذیری در روابط، احساس مسئولیت‌پذیری و استفاده از فن خودمداخله‌ای برای حل تعارض می‌شود. دادلی و کاسینسکی (۱۹۹۰) بیان کرده‌اند که فعالیت معنوی مثل دعا کردن، می‌تواند به زوجها کمک کند که به نیازهای دیگران بیشتر فکر کنند، با محبت‌تر و بخشاینده‌تر باشند، با احترام بیشتری با یکدیگر برخورد کنند و بیشتر به حل تعارض بپردازند. نتایج مطالعات دادلی و کاسینسکی (۲۰۰۶)، به نقل از: فینچام، لامبرت و بیچ، (۲۰۱۰) درباره مذهب و رضایت زناشویی نشان داد که همبستگی قوی بین رضایت زناشویی و اعمال مخصوص مذهبی، انگیزه درونی مذهبی و تجربه مذهبی (احساس نزدیکی به خدا) وجود دارد.

نتایج این پژوهش با تحقیقات دیگر در زمینه رابطه معنادار میان جهت گیری دینی درونی با رضایت زناشویی نیز همسو بوده که می توان به تحقیقات دادلی و کاسینسکی (۱۹۹۰) اشاره کرد که «دینداری به سبک درونی، پایه ای است که بر آن روابط زناشویی خوب بنا می شود». در تحقیقات داخلی نتیجه تحقیق جان بزرگی (۱۳۸۶) در بین دانشجویان تمامی دانشگاه های دولتی شهر تهران نشان داد که هرچه جهت گیری دینی بیرونی تر شود، احساس خستگی، نشانه های بیماری در بدن و میزان بی خوابی فرد بیشتر می شود. حاتمی و همکاران (۱۳۸۸) نتیجه گرفتند هرچه بر میزان دینداری فرد افزوده شود، میزان رضایت از زندگی افزایش خواهد یافت. به عبارت دیگر، دینداری با رضایت زناشویی نیز رابطه ای مثبت و مستقیم دارد. نظری (۱۳۸۳) نیز اذعان کرد، پایبند نبودن به مسائل مذهبی و عدم دینداری ممکن است در رفتار همسران، بی تعهدی ایجاد کند و این گونه، باعث کاهش رضایت زناشویی شود.

در تبیین این یافته ها می توان گفت: همان طور که گلین (۱۹۸۸) عنوان کرد، کسانی که برای مدت طولانی با هم زندگی می کنند، دین را به عنوان مهم ترین عامل رضایتمندی در ازدواج تلقی می کنند. پس دینداری رابطه مستقیمی با رضایت زناشویی دارد و همان طور که ماهونی (۲۰۰۵) اشاره کرد، تعداد برخوردها و خشونت فیزیکی، با فعالیت ها در ارتباط هستند، باتلر و وامپلر (۱۹۹۹) نشان دادند که عبادت و نیایش، موجب همدلی، درک، تعهد، انعطاف پذیری در روابط، احساس مسئولیت پذیری و استفاده از فن خودمداخله ای برای حل تعارض می شود، کاسینسکی (۱۹۹۰) بیان کرده اند که فعالیت های معنوی مثل دعا کردن، می توانند به زوج ها کمک کنند تا به نیازهای دیگران بیشتر فکر کنند، با محبت تر و بخشاینده تر باشند، با احترام بیشتری با یکدیگر برخورد کنند و بیشتر به حل تعارض بپردازند که این موارد با بُعد مناسکی دینداری هم پوشانی دارند. از سوی دیگر، در تبیین نتیجه این پژوهش که سهم ضعیفی را برای دینداری، برای پیش بینی رضایت زناشویی نشان داد می توان بیان کرد که امروزه، خصوصاً در جامعه هدف، دینداری متغیر کم رنگ تری برای رضایت زناشویی می باشد و زوجین به صورت ضعیف تری از مسائل دینی برای حل تعارضات زناشویی خود استفاده می کنند که می توان به توجه کمتر به رهنمودهای دینی، عدم مشورت با مشاوران دینی، توکل کمتر به خداوند برای حل تعارضات زناشویی اشاره کرد. همچنین، کم رنگ تر شدن توجه به دین و مناسک دینی دلیل دیگری می تواند باشد. اما در میان

متغیرهای پژوهش، همچنان جهت‌گیری دینی درونی که دینداری حقیقی است، بالاترین سهم را در پیش‌بینی رضایت زناشویی دارد.

بر اساس نتایج جدول ۳ و ۴، فرضیه دوم پژوهش مبنی بر تفاوت معنادار در همبستگی میان ابعاد دینداری و جهت‌گیری دینی با رضایت زناشویی در گروه مردان و زنان رد گردید. مطالعات همسو یا ناهمسو در این زمینه یافت نشد. البته هر چند تفاوت معنادار بین گروه زنان مردان یافت نشد. اما در این پژوهش نتیجه گرفتیم که در جامعه هدف، ابعاد دینداری و رضایت زناشویی فقط در مردان همبستگی مثبت معنادار داشت. والر، الیسون و پاورز (۲۰۰۹)، به نقل از: صابی و همکاران، (۲۰۱۴) نتیجه گرفتند که زوجین ممکن است به صورت متفاوتی از باورهای مذهبی همسر خود بهره ببرند؛ دینداری شوهران، اثر بیشتری بر دیدگاه‌های همسرشان در مورد روابط زناشویی و تعاملات زناشویی شان دارد، نسبت به تأثیری که دینداری زنان بر شوهران دارد. هر چند از لحاظ آماری تفاوت معناداری میان گروه زنان و مردان یافت نشد، اما رابطه جهت‌گیری دینی بیرونی با رضایت زناشویی در گروه زنان منفی و معنادار بود؛ به این معنی که به هر میزانی که جهت‌گیری دینی بیرونی در زنان افزایش یابد، رضایت زناشویی کاهش خواهد یافت. در تبیین این موضوع می‌توان گفت: همان‌طور که نتیجه تحقیق جان بزرگی (۱۳۸۶) در بین دانشجویان تمامی دانشگاه‌های دولتی شهر تهران نشان داد، هرچه جهت‌گیری دینی بیرونی‌تر شود، احساس خستگی، نشانه‌های بیماری در بدن و میزان بی‌خوابی فرد بیشتر می‌شود. این خستگی جسمی و روحی که معلول جهت‌گیری دینی بیرونی است، بر کنش‌وری فرد و از جمله زندگی زناشویی فرد تأثیر می‌گذارد و زنان به دلیل حساسیت و آسیب‌پذیری بیشتر، تأثیرات منفی معناداری را تجربه می‌کنند.

بر اساس نتایج جدول ۳، فرضیه سوم پژوهش، مبنی بر وجود رابطه میان ابعاد دینداری و جهت‌گیری دینی درونی تأیید گردید. بین جهت‌گیری دینی درونی با نمره کل ابعاد دینداری و ابعاد اعتقادی، عاطفی و مناسکی، رابطه مثبت و معنادار و فقط نتایج رابطه جهت‌گیری دینی درونی با بُعد پیامدی رابطه منفی و معنادار به دست آمد، به این معنا که با تقویت ابعاد اعتقادی، عاطفی و مناسکی، جهت‌گیری دینی درونی‌تر می‌شود. مطالعات همسو یا ناهمسو در این زمینه یافت نشد. در تبیین این یافته‌ها می‌توان گفت: همان‌طور که در تعریف جهت‌گیری دینی (آذربایجانی، مسعود، ۱۳۸۲) بیان شده است، فقط دینداری با

جهت گیری درونی، به عنوان دینداری حقیقی به حساب می آید، لذا فقط جهت گیری دینی درونی با ابعاد دینداری رابطه مثبت دارد و جهت گیری دینی بیرونی با ابعاد دینداری رابطه معناداری ندارد، چون جهت گیری دینی بیرونی در واقع دینداری حقیقی به حساب نمی آید و فقط «لقلقه زبان» است. در جهت گیری دینی بیرونی، چون انگیزه درونی و حقیقی نیست، بلکه بیرونی و «غیرخدایی» است، لذا با بُعد اعتقادی و یقین قلبی فرد رابطه ندارد. در جهت گیری دینی بیرونی چون فرد انگیزه بیرونی، غیری و منافق گونه دارد، لذا از درون و خودجوش به دنبال انجام اعمال و مناسک دینی نیز نیست و به همین دلیل هم بُعد عاطفی و تجربه دینی را به دست نمی آورد؛ پس جهت گیری دینی بیرونی با ابعاد عاطفی و مناسکی رابطه معناداری ندارد برخلاف جهت گیری دینی درونی.

همچنین، نتیجه تحقیق جان بزرگی (۱۳۸۶) در بین دانشجویان تمامی دانشگاه های دولتی شهر تهران نشان داد که هرچه جهت گیری دینی بیرونی تر شود، احساس خستگی، نشانه های بیماری در بدن و میزان بی خوابی فرد بیشتر می شود، لذا به دلیل خستگی و آشفتگی جسمی و روانی، فرد دچار کنش وری ضعیف تری می شود و این می تواند روی مسائل زناشویی، از جمله رضایت نیز تأثیر منفی بگذارد.

منابع

- آذربایجانی، مسعود (۱۳۸۲)، تهیه و ساخت آزمون جهت گیری مذهبی با تکیه بر اسلام، قم، پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- آذربایجانی، مسعود و سیدمهدی موسوی اصل (۱۳۸۵)، درآمدی بر روان شناسی دین، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- احمدی، خدابخش و اسفندیار آزاد مرزآبادی، علی ملازمانی (۱۳۸۴)، «بررسی وضعیت ازدواج و سازگاری زناشویی در بین کارکنان سپاه»، طب نظامی، ش ۷، ص ۱۴۱-۱۵۲.
- اسپیلکا، برنارد و رالفدلیو هود، بروس هونسبرگ، ریچارد گرساچ (۲۰۰۳)، روان شناسی دین: بر اساس رویکرد تجربی، ترجمه محمد دهقانی، تهران، رشد.
- اولسون، دیوید اچ و امی اولسون - سیگ، پیتربی لارسون (۱۳۹۱)، بازبینی روابط همسران، ترجمه شکوه نوابی نژاد و مهرنوش دارینی، تهران، دانژه.
- پورغفاری، سیده سوگل و غلامرضا پاشا، یوسفعلی عطاری (۱۳۸۹)، «بررسی اثربخشی آموزش مؤلفه های سبک زندگی مبتنی بر رویکرد روان شناسی فردی بر رضایت زناشویی در بین پرستاران متأهل زن بیمارستان دکتر گنجویان دزفول»، یافته های نو در روان شناسی، دوره چهارم، ش ۱۲، ص ۲۷-۴۸.

- جان بزرگی، مسعود (۱۳۷۸)، بررسی اثربخشی روان‌درمانی کوتاه‌مدت، آموزش خودمهارگری، با و بدون جهت‌گیری مذهبی (اسلامی) بر مهاراضطراب و تنیدگی، رسالهٔ دکتری روان‌شناسی، تهران، دانشگاه تربیت مدرس.
- جان بزرگی، مسعود (۱۳۸۶)، «جهت‌گیری مذهبی و سلامت روان»، ژوهش و پزشکی، دورهٔ سی و یکم، ش ۴، ص ۳۵-۴۵.
- جدیری، جعفر (۱۳۸۷)، بررسی رابطهٔ رضامندی زناشویی بر اساس معیارهای اسلامی با ثبات هیجانی، پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد رشته روان‌شناسی، قم، مؤسسهٔ آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه‌السلام.
- جمالی، فیروز (۱۳۸۱)، «مهاجرت، شهرها و سازگاری مهاجران»، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی (تبریز)، دورهٔ چهل و پنجم، ش ۱۸۲، ص ۸۶-۸۷.
- حاتمی، حمیدرضا و محمدباقر حبیبی، علیرضا اکبری (۱۳۸۸)، «بررسی تأثیر میزان دینداری بر رضایت از زندگی زناشویی»، روان‌شناسی نظامی، دورهٔ اول، ش ۱، ص ۱۳-۲۲.
- خدایناهی، محمدکریم و محمدعلی خاکسار بلداجی (۱۳۸۴)، «رابطهٔ جهت‌گیری مذهبی و سازگاری روان‌شناختی در دانشجویان»، روان‌شناسی، ش ۳۵، ص ۳۱۰-۳۲۲.
- خدایاری فرد، محمد و روح‌الله شهابی، سعید اکبری زردخانه (۱۳۷۸)، «رابطهٔ نگرش مذهبی با رضایتمندی زناشویی در دانشجویان متأهل»، مجلهٔ علوم تربیتی دانشگاه تهران، ش ۳۵، ص ۶۱۱-۶۲۰.
- خوش‌فر، غلامرضا و محبوبه ایلواری (۱۳۹۴)، «بررسی رابطهٔ بین دینداری با سازگاری زناشویی»، علوم اجتماعی، ش ۶۸، ص ۱۹۳-۲۲۷.
- دانش، عصمت (۱۳۸۳)، «تأثیر خودشناسی اسلامی بر افزایش میزان سازگاری زناشویی»، تازه‌ها و پژوهش‌های مشاوره، ش ۱۱، ص ۸-۳.
- سراج‌زاده، سیدحسین (۱۳۷۴)، «نگرش‌ها و رفتارهای دینی نوجوانان تهرانی و دلالت‌های آن برای نظریه سکولار شدن»، نمایه پژوهش، ش ۷ و ۸، ص ۱۰۵-۱۱۹.
- سلیمانیان، علی‌اکبر و شکوه نوابی‌نژاد، ولی‌اله فرزاد (۱۳۸۴)، «تعیین اثربخشی مشاوره انگیزشی نظام‌مند گروهی (SMC) بر کاهش آشفتگی زناشویی»، تازه‌ها و پژوهش‌های مشاوره، سال چهارم، ش ۱۶، ص ۹-۲۴.
- صدیقی، اکرم و سیامک محبی، مرضیه شاه‌سیاه (۱۳۹۳)، «بررسی رابطه و مقایسهٔ جهت‌گیری مذهبی با رضایت و سازگاری زناشویی در زوجین شهر قم»، پژوهش‌نامه اسلامی زنان و خانواده، سال دوم، ش ۳، ص ۱۰۱-۱۱۴.
- غباری‌ناب، باقر (۱۳۸۰)، «مطالعاتی در قلمرو مشترک دین و روان‌شناسی»، حوزه و دانشگاه، سال هفتم، ش ۹۲، ص ۳۰-۴۶.
- متولیان، سیدمهدی و زهرا نوری، سیدمهدی حسینی شروانی (۱۳۹۶)، «بررسی اثربخشی آموزش مؤلفه‌های سبک زندگی مبتنی بر رویکرد روان‌شناسی فردی بر رضایت زناشویی در بین پرستاران متأهل زن بیمارستان دکتر گنجویان دزفول»، اسلام و علوم اجتماعی، سال نهم، ش ۱۸، ص ۲۷-۴۸.
- منجزی، فرزانه و عبدالله شفیع‌آبادی، منصور سودانی (۱۳۹۱)، «اثربخشی آموزش مهارت‌های ارتباطی با رویکرد اسلامی بر رضایتمندی زناشویی زوج‌ها»، دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی، ش ۴۷، ص ۳-۱۰.

- نظری، علی محمد (۱۳۸۸)، مبانی زوج‌درمانی و خانواده‌درمانی، چ دوم، تهران، علم.
- هالفورد، کیم (۲۰۰۱)، زوج‌درمانی کوتاه‌مدت، ترجمه مصطفی تبریزی و همکاران، تهران، فراروان.
- Buttler, M.H, Wampler, K. S (1999), A Meta - Analytical Update of Research on the Couple Communication Program, American Journal of Family Therapy, Jul, Sep., V. 27 (3), p. 233 - 237.
- Dadley, M, Kosinski, F (1990), Religiosity and marital satisfaction: A research note, Review of religious research, v. 32 (1), p. 78-86.
- Fenell, D.L (1993), Characteristics of long-term first marriages, Journal of mental health counseling, 15(4), p. 446-460.
- Fincham, f. D, Lambert, n.M, Beach, s.R.H (2010), Faith and unfaithfulness: Can praying for your partner reduce infidelity? Journal of personality and social psychology, 99(4), p. 649-659.
- Glenn, N.D (1988), A note of family situation and global happiness. Social forces, 57, p. 957 - 960.
- Graham, P. J (2011), An investigation of the relationship between religion and marriage on self-reported health, B.A, Louisiana Tech University.
- Halford, w.K, Bodenman, g (2013), Effects of relationship education on maintenance of couple relationship satisfaction, Clinical psychology review, 33(4), p. 512-525.
- Madathil, J, Benschhoff, J.M (2008), Importance of marital characteristics and marital satisfaction: A comparison of Asian Indians in Arranged marriages and Americans in marriages of choice, The family journal, 16(3), p. 222-230.
- Mahoney, A (2005), Religion and conflict in marital and parent child relationship, Journal of Social Issues, 61, p. 689-706.
- Marsh, R, Dallos, R (2001), Roman Catholic Couples: Wrath and Religion, Fam Process, 40 (3), p. 343-360.
- Olson DH, Olson A (1997), Prepare ENRICH Canada program, Journal of family and ministry, 11(4), p. 28-53.
- Sabey, A.K, Rauer, a.J, Jensen, j.F (2014), Compassionate love as a mechanism linking sacred qualities of marriage to older couples marital satisfaction, Journal of family psychology, 28(5), p. 594-603.
- Seybold, K. S, Hill, P. C (2001), The role of religion and spirituality in mental and physical health: Current directions in psychological science, 7 (10), p. 214-237
- Sherkat, D. E (2004), Religious intermarriage in the united states: Trends, patterns, and predictors, Journal of social science research, 18, p. 47-55.